

مجله سیاسی و ادبی

آینده

فروردین ۱۳۲۴

نفره مسلسل (۳)

جلد سوم

شماره ۷

سید جمال الدین

یا يك بازی تازه سیاسی !

تو مو می بینی و من پیش مو
تو ابرو من اشارت های ابرو

(وحشی)

(مرحوم سید جمال الدین)

موضوع مرحوم سید جمال الدین يك مسئله سیاسی شده است. چند هفته قبل در جراند خواندم که استخوانهای سید را از اسلامبول بافغانستان میبرند. این خبر در جراند تهران و حتی مجلس انعکاسی پیدا کرد و هیاهویی راه افتاد که اسباب کمال تعجب نگارنده گردید. چه عکس العملی در کابل داشته، نمیدانم... یقین حاصل کردم که در اساس این کار نظر سیاسی بوده است. چون ترکها هم آهنگی میان افغانها و ایرانیان را مخالف مصالح تاریخی و سیاسی خود میدانند ممکن است در باطن امر در این کار دستی داشته باشند. بهر حال چون اختلاف بر سر سید جمال الدین بعقیده



من يك جنبه سیاسی بخود گرفته من هم میخواهم بدو آنرا از جهت سیاسی مورد مطالعه قرار دهم نه از لحاظ تحقیق تاریخی و اینکه او اهل افغانستان است یا همدان، که

در نظر من هیچ اهمیتی ندارد . . . مثل اینکه خواسته اند بوسیله يك موضوع كهنه جنك اعصاب را بين دولت برادر تجدید و تحريك كنند . عامه و بلکه خیلی از خواص هم در دو مملكت نمیدانند كه تیر از کدام كمان در آمده و بكجا میرود .

بقول سعدی :

كشته بینند و مقاتل نشانند كه کیست كین خدنگ از نظر خلق نهان می آید!
بلی، خدنگهای سیاست را از كمینگاه و در تاریکی رها میکنند و نهان از نظر هاب مقصد میرسند . فقط سیاسيون تیز بین و دور اندیش میتوانند به بینند . دیگران آلت اجراء مقاصد دشمنان میشوند . بهمین جهت است كه باید بگویم :

باكم از تركان تیر انداز نیست ! طعنه تیر آورانم می كشد !

با آنها كه دشمنند و تیر می افكنند ایرادی نیست ، بر آنها كه دوستند و نشانه میشوند افسوس میخورم ! بازی سیاست بازی بسیار ماهرانه است ، و چه بسا رجال سیاسی و ملتها كه ندانسته بساز آن میرقصند . گاهی جریانهائی ایجاد میشود كه ملتها كور كورانه بدنبال آن میافكنند و تهییج میشوند . باید هر وقت موضوعی نظیر مورد سید جمال الدین پیش می آید بجای اینکه شیون و هیا هو بیا ساخت و اعصاب ملت را بمیل دشمنان تحريك نمود او را اندرز داد و آرام كرد .

اینكه تر كها در اسلامبول قبر سید را نبش کرده و استخوانهای او را حمل نموده البته اصولا كار خوبی نیست كه قبر مسلمانی را نبش كنند ، اما آنها از مسلمانی دیگر چه دارند كه این باشد ! آنها نظر سیاسی داشته و خواسته اند میان افغان و ایران را بر سر حرف بهم بزنند . آنها هر چه در این زمینه ها بكنند ما بعید نمیدانیم زیرا (ترك و تورانی) نژاد است كه ایران و افغانستان را قرنهای پیش بآتش بیداد و خونخواری سوزانید و هنوز نیز تر كها از وحدت فارسی زبانان اندیشناك هستند و باز در سر هوای امپراطوری عظیم توران را میزنند . « یان تورانیم » یا « یان تور کیزم » كه « ایدهال » این شعبه از زرد پوستان است غیر از تجدید همان نغمه های شوم توران چیز دیگری نیست و قصدی جز از بین بردن نژاد سفید آریائی و زبان فارسی ندارد . زبان « آذری » كه شعبه ای از « فارسی » بوده و تا چند صد سال پیش یعنی قبل از فتنه مغول

در آذربایجان تکلم میشده بازبان فارسی که درنواحی ترکمنهان فعلی افغانستان مسلماً پیش از هجوم تر کها معمول بوده چگونه منسوخ و بجای آن ترکی مرسوم شده است؟ همین ترک و مغولها بودند که ایران و افغانستان هر دو را بخون آلودند و با تش سوختند. همان هوسها باز پایدار است، منتها امروز وسائل کار عوض شده و نقطه حرکت تغییر کرده است. آنچه مسلم است اینکه زبان فارسی نه تنها لسان ادبی ما و افغانهاست بلکه متجاوز از هزار سال است که زبان فصیحترین گویندگان و متفکرین بزرگ بوده که امروز آنها و ما مشترکاً بوجودشان افتخار میکنیم و این اشتراک افتخار دلیل بر یگانگی خلل ناپذیر ماست. حال چه علت دارد راضی شویم (معلوم نیست در اثر چه تحریکاتی) بر سر یکی از نسبتاً کم اهمیت ترین این مفاخر مشترک بین برادران جدائی و نزاع بیفتد. ترک و تورانیها همیشه رقیب ایرانیها و فارسی زبانان بوده اند. همچنانکه ایران و افغانستان و تاجیکستان و کلیه ماورالنهر همیشه در برابر توران و تورانیان سدی بوده امروز هم «پان ایرانیزم» باید در برابر هجوم «پان تورانیزم» سدی باشد. منتها در اعصار قدیم موضوع و نوع حمله و دفاع با امروز فرق داشته است.



وقتی از این مسائل سیاسی گذشتیم میرسیم بیک مسئله ساده تحقیقی ده آیا سید جمال الدین در اسدآباد همدان تولد شده یا در اسعدآباد یا اسدآباد افغانستان، و این رسیدگی مانند هر تحقیق علمی دیگر فقط درخور آنست که اهل فن با آرامش کامل بدان بپردازند. من مجله آینده را از همین شماره باختیار محققینی در افغانستان یا ایران میگذارم که بخواهند نتیجه تحقیقات دقیق خود را در اینخصوص برای درج بفرستند. کما اینکه مقاله ای بخواهش من دانشمند محترم آقای بهار نوشته اند که در همین شماره بنظر خوانندگان میرسد.

چقدر لذت بردم وقتی در روزنامه ناهید مصاحبه سفیر کبیر محترم افغانستان را خواندم که با کمال خونسردی تقریباً فرموده بودند: (من از این مطالب اطلاعی ندارم همینقدر میدانم در افغانستان هم اسدآبادی داریم.)

مگر از قصائد حکیمانه سنائی که اهل غزنه در افغانستان میباشد و هم اکنون

در آن شهر خوابیده است؛ و ایرانیان او را ایرانی میدانند باعتبار اینکه در زمانی میزیسته که ایران و افغانستان یکی بوده، و افغانها نیز او را بحق افغانی می‌شمارند بدلیل مسلم اینکه پرورده آن خاك است، بیک اندازه لذت نمی‌بریم؟ یا از «حدیقه» او گل نمی‌چینیم؟ چه شود اگر بر سر خوان دانش سید جمال هم برادر وار بنشینیم و بهره بر گیریم؟ ... باید این تعصبات جاهلانه را که فقط بترکان عثمانی می‌برازد بهمان ترکان عثمانی باز گذاریم که بعلت فقر ادبی دست یغما بخزینة افتخارات دیگران دراز میکنند! ...

اما دلائلی که در ایران بر ایرانی بودن سید اظهار میکنند از این قبیل است که اقوام او خانواده جمالی هم اکنون در اسدآباد زندگی میکنند، (بیست سال است که یکی از آنها با من آشنائی دارد) خانه مسکونی او هنوز در آنجاست، عکسهائی در ایران انداخته که از اقوام او در آن هستند و باخط خود در آنجا چیزی نوشته و قس علیهذا. اینها بعقیده من هیچکدام دلیل قاطع نیست، بلکه عین دعواست، زیرا ممکن است گفته شود هر يك از اینها ادعائیست که خود محتاج بدلیل است. - بچه دلیل در فلان خانه اسدآباد سید سکونت داشته؟ بچه دلیل این اشخاص اقوام او هستند؟ بچه دلیل اشخاص در عكس خویش او میباشند؟ خلاصه وقتی کار باختلاف افتاد اینطور حل نمیشود. من از آقایان جمالی اسدآباد معذرت می‌خواهم که اینطور در يك امری که بآن علاقه دارند اظهار نظر میکنم و حتی تلگراف و عکسها و اوراقی که فرستاده‌اند بهمین علت که کافی و قاطع ندانسته چاپ نمودهام.

آنچه مرا بیشتر در ایرانی بودن سید بشك انداخته شرح حال است که می‌گویند شیخ محمد عبده مصری شاگرد سید از او نوشته و من آنرا ندیده‌ام. اگر چنانکه شنیده‌ام او سید را افغانی نوشته باشد علت می‌خواهد یک نفر عالم مصری که سمت شاگردی سید را هم داشته بخواد او را افغانی جلوه دهد.

من تا دوازده سال پیش که مقاله ای بخواهش انجمن ادبی افغانستان برای مجله شریفه کابل نوشتم و در آنجا اشاره بایرانی بودن سید نمودم - و مورد ایراد انجمن مزبور در مقاله جوابیه واقع گردیدم - او را ایرانی میدانستم. از آن